

تأثیر فارسی در ادبیات اندونزی

محمد ظفراقبال

تأثیر فارسی در ادبیات اندونزی به چند نوع تقسیم می‌شود: دینی، تاریخی، سیرت رسول خدا(ص)، و ادبیات عامیانه. در اوایل پیشرفت اسلام در دنیای ملایو، افکار دینی نویسندگان مسلمان ایرانی مورد توجه مبلغان و عارفان محلی قرار گرفته بود؛ خصوصاً در زمینه تصوف و اصول دین، افکار ایرانیان برای مردم این دیار دین تازه‌ای از علوم دینی را گشود. در تمام نوشته‌های صوفیان اندونزی نقش مهم افکار عارفان ایرانی جلوه گر است. کتاب‌های تاریخی ملایو بر طبق تاریخ‌نگاری ایرانی نوشته شده بود؛ مثل حکایت راجا راجا پاسه، سجارا ملایو، تاج السلاطین، بستان السلاطین، حکایت آچه، و غیره. در زمینه سیرت رسول (ص) و اوصاف اهل بیت، نوعی ادبیات در ادب ملایو وجود دارد که به نام حکایت‌های رسول (ص) خوانده می‌شود. در زمینه ادبیات داستانی هم تعدادی داستان ایرانی به زبان اندونزیایی برگردانده شده است؛ مثل حکایت امیر حمزه؛ حکایت محمد حنیفه؛ و حکایت اسکندر ذوالقرنین.

قبل از ورود اسلام به دنیای ملایو، در قرن هفتم میلادی، بزرگ‌ترین مرکز علم و ادب دنیای ملایو شهر پالمبانگ، پایتخت سلطنتی سری وجایا، بر مذهب بودایی بود. بیشتر

کتاب‌های ادبیات دینی در آنچه^۱ به خط جاوی نوشته و بیشتر مراجع این کتاب‌های دینی از زبان عربی و فارسی گرفته شده بود. نویسندگان آنچه به جای ادبیات هند، استفاده از ادبیات اسلامی را ادامه دادند که این روش در کتاب *صراط المستقیم* نورالدین الرانیری به خوبی نمایان است. جمع شدن عالمان و ادیبان جهان اسلام، در رشد ادبیات آنچه نقش مهمی داشت. قبل از پیشرفت علمی در آنچه، در سلطنت اسلامی جوهر^۲، کتاب‌های مهم ادب ملایو مثل *سجارا ملایو* و حکایت هنگ تواه^۳ نوشته شده بود. اثر اخیر بزرگ‌ترین حکایت کلاسیک دنیای ملایو به شمار می‌رود، ولی تأثیر حکایت پانجی^۴ از جاوه در کتاب *سجارا ملایو* نشان می‌دهد که حکایت هنگ تواه در ملاکا نوشته شده است و عناصر هندو و اسلام را در دامن خود دارد و این نوع ادبیات بعداً در سلطنت جوهر پیشرفت زیادی کرده بود. می‌توان گفت که پیشرفت در روش نگارش ادب ملایو در ملاکا و بعداً در نوشتن قصه‌های زندگانی رسول (ص) در سلطنت اسلامی پاسه (۱۲۵۰-۱۵۲۴ م) به وجود آمده بود؛ زیرا این اولین سلطنت اسلامی، برای تبلیغ دین اسلام این نوع قصه‌های دینی را نیاز داشته است. حکایت امیر حمزه و حکایت محمد حنیفه در پاسه از زبان فارسی به زبان ملایو برگردانده شده بود. قصه‌های انبیا، مثل حکایت یوسف و غیره، در ملاکا به وجود آمدند و برای مردم خوانده شدند.^۵ پادشاهان ملاکا اکثراً دربارهٔ مسائل دینی و تصوف، به علمای پاسه رجوع می‌کردند. کتاب *سجارا ملایو* نشان می‌دهد که حکایت راجا راجا پاسه بعد از وفات سلطان ملک الظاهر، در دوران حکومت سلطان احمد (۱۳۲۶ م) نوشته شده است. تأثیر این کتاب در *سجارا ملایو* دیده می‌شود. نسخهٔ خطی حکایت بودیمان^۶ که در دانشگاه لیدن به شمارهٔ 3208 cod or موجود است، نشان می‌دهد (صص ۴۶، ۵۴، ۹۰) که این حکایت را قاضی حسن در سال ۷۳۳ ق / ۱۳۷۰ م نوشته است. از این بطوطه هم اخباری مهم دربارهٔ خلق ادبیات اسلامی در پاسه به دست آمده است. او در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ م آنجا بوده و دربارهٔ برگزاری مراسمی بزرگ در دربار شاه پاسه می‌نویسد که در آن مراسم، سلطان به مردم مهم و درباریان خود هدیه‌های بسیار عالی و بزرگ اهدا کرده است. البته قبل از این در پاسه شعر فارسی معرفی شده بود، مثلاً اشعار سعدی بر لوح مزار آمین نایینی

1. Aceh

2. Johor

3. *Hikayat Hang Tuah*

4. *Hikayat Panji*

5. Teuku Iskandar, *Kesusasterana Teudu Iskandar, Kesusasterana Klasik Melayu Sepanjang Abad*, Penerbit Libra, Jakarta, 1996, pp. xix-xx.

6. *Bayan Budiman*

(وفات ۱۴۲۰م) موجود است. در پاسه قبر نوّه خلیفه مستنصر بالله (کشته شده در حمله مغول به بغداد) موجود است که نشان می‌دهد سلطنت اسلامی پاسه در آن زمان چقدر مشهور و بزرگ بود.

بیشتر کتاب‌های دینی و قصه‌های زندگانی رسول (ص) در سلطنت اسلامی پاسه از زبان‌های عربی و فارسی به زبان ملایو ترجمه شده بود. بعداً پاسه تنزل یافت و ملاکا مرکز سیاست و تجارت بین‌المللی و علم و ادب ملایو شد (۱۴۰۰-۱۵۱۱م). بعد از معرفی اسلام به دنیای ملایو چند مرکز علم و ادب خیلی مشهور پدیدار شد. مرکز مهم ادبیات ملایو پاسه بیش از سه قرن فعالیت و تداوم داشت و در این دوره آثار زیادی به وجود آمده بود. مرکز علم و ادب ملایو سلطنت اسلامی جوهر و آچه تقریباً همزمان، ولی دوران ادبی جوهر کوتاه و مشتمل بر سه قرن بود. بعد از سرنگون شدن ملاکا به دست پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۱م، سلطنت اسلامی جوهر به وجود آمد و بین سال‌های ۱۵۱۱-۱۷۹۸م خیلی فعال بود. کتاب سجارا ملایو که نوشتن آن حقیقتاً در ملاکا ادامه یافت، در جوهر به کمال رسید. همین‌طور بزرگ‌ترین و مشهورترین حکایت ادب ملایو، حکایت هنگ تواه، در جوهر تکمیل شده بود.

وقتی سلطنت آچه، بر سلطنت اسلامی پاسه غلبه کرد و تمام منطقه پاسه را در برگرفت، بیشتر ادیبان و متفکران پاسه و دنیای ملایو وارد آچه شدند، بزرگ‌ترین مرکز ادب ملایو سلطنت اسلامی آچه، در پایتخت این سلطنت «دارالسلام بندا آچه»^۱ (۱۵۲۴-۱۹۰۰م) به وجود آمد. دارالسلام بندا آچه به زودی مرکز تجارت بین‌الملل و ادب ملایو گردید و در اینجا بود که تعدادی از کتاب‌های عربی و فارسی، از جمله منطق الطیر فریدالدین عطار نیشابوری، به زبان ملایو ترجمه شد. بیشتر کتاب‌های دینی و تصوفی گروه وحدت الوجود به زبان‌های عربی و فارسی نوشته شده بودند. اولین بار حمزه فسنوری در اینجا تصوف «وحدت الوجود» را پیاده کرد و بعد از او شمس‌الدین سوماترانی این موضوع را پی گرفت. شیخ فسنوری شعر ملایو را خلق کرد و دیگران هم کتاب‌های زیادی درباره تاریخ و حقوق اسلامی و غیره نوشتند. در دوران سلطنت اسلامی پالمبانگ (۱۶۵۰-۱۸۲۴م) ادبیات ملایو به طرق گوناگون رشد کرد. در ادبیات دینی بیشتر کتاب‌های تصوف به روش آچه، درباره وحدت الوجود نوشته شد، ولی بعداً مخالف با این موضوع بیشتر شد و کتاب‌های

امام ابو حامد محمد غزالی مورد توجه قرار گرفت. همین طور در سلطنت اسلامی ریوا^۱ در جزیره پنینگت^۲ بین سال‌های ۱۷۹۸ تا ۱۹۰۰ م «ادبیات ملایوی نو» پدیدار شد و نویسندگانی مثل راجا مودا^۳ و دیگران اول به ادبیات ملایوی مراکز پیشین، مثل پاسه، ملاکا، جوهر، آچه، و ریوا، و بعداً به ادبیات اسلامی خاورمیانه، بغداد، دمشق، و خراسان، توجه کردند.^۴

طبق اسناد موجود، حجم ادبیات ملایو از قرن هفتم تا قرن هفدهم میلادی هشت تا ده هزار نسخه است که بیشتر آن درباره ادب اسلامی ملایو از قرن سیزدهم تا شانزدهم میلادی است. تاریخ ادبیات ملایو را می‌توان به سه دوره مهم تقسیم کرد: اول دوره ادبیات پارینه ملایو، از قرن هفتم تا نیمه اول قرن چهاردهم میلادی؛ دوره دوم از ورود اسلام، در نیمه اول قرن چهاردهم تا نیمه اول قرن شانزدهم میلادی؛ و دوره سوم، از نیمه اول قرن شانزدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، که دوره ادبیات کلاسیک ملایو است. ادبیات ملایوی این دوره ادبیات مهمی در دنیای اسلام شناخته می‌شود، زیرا در این زمان آثار ادبی مشهور و بی‌مثال ادب ملایو خلق شده بود.^۵ ادب عامیانه هند با واسطه دین بودایی تا چین رسیده بود و اسلام هم آن را به آفریقا رساند. می‌گویند قبل از زمان اسکندر مقدونی، از هند تا اروپا راهی وجود داشت که از ایران گذر می‌کرد و از این راه قصه‌های هند به اروپا رسیدند. قصه‌های پنجه‌تنتره یا سوکه‌سپتتی یا قصه‌های طوطی نامه از زبان فارسی به زبان سینهای^۶ (زبان سریلانکا)، کشمیری، چینی، تبتی، زبان ماوی^۷ برمه و چم^۸ در هندوچین رسیده بود. روی دیوارهای معبد‌های هندو در جاوه مرکزی، مثل چاندی مندوت^۹ از قرن نهم میلادی و چاندی پنا تاران^{۱۰} از قرن چهاردهم میلادی، کنده شده است. همین طور قصه «گل بکاولی»^{۱۱} به زبان فارسی در مجموعه قصه‌های ملایو از شهر کده^{۱۲} موجود است. کتاب قصه‌های پنجه‌تنتره قبل از سال ۱۷۳۶ م از منابع هندی - فارسی به زبان ملایو ترجمه شده بود. قصه ابونواز [نواس؟] و ملانصرالدین در زمان هارون الرشید، خلیفه عباسی بغداد، از منابع فارسی - عربی به دنیای ملایو رسیده بود.

1. Riau

2. Pulau Penyengget

3. Raja Muda

4. Teuku Iskandar, *Kesusasteraan Klasik Melayu*, p. xxvii.

5. V. I. Braginsky, *Yang Indah, Berfaedah dan Kemal, Sejarah Sastra Melaya dalam Abod 7-19*, INIS Jakarta, 1998, pp. 1, 23.

6. Sinhali

7. Moi

8. Cam

9. Chandi Meddut

10. Cande Panataran

11. Gul Bakawli

12. Kedah

در کلنتان^۱ مالزی قصه‌ای عامیانه موجود است که می‌گوید برای انداختن کشتی نو به آب دریا از چوب‌های غلتنده یا غلتک قرمز رنگ استفاده می‌کنند و عمل به آب انداختن را دختران جوان باردار انجام می‌دهند. می‌گویند این عمل را به یاد زنی قهرمان به نام سیتی سارا از درباریان غزنوی لاهور، سمرقند، و اصفهان برگزار می‌کنند و این رسم ملایو را در حقیقت از داستان قدیم فارسی حکایت ناخدای جوان^۲ گرفته‌اند.

در داستان هنگ تواه (درباره قهرمان ملایو) تأثیر فارسی به خوبی دیده می‌شود. در این اثر، داستان سلطان آچه، صلاح‌الدین (۱۵۳۰-۱۵۳۹م)، و حکمران بعدی، ابراهیم خان‌زاده، بنیانگذار حکومت خاندان ابراهیم خان‌زاده (به سال ۱۶۲۲م) ذکر شده است. قهرمان ملایو، هنگ تواه، در سفری ماجراجویانه به مصر و سوریه و زیارت مقامات مقدسه آنها می‌رود. او در مدینه با شیخ جلال‌الدین، محافظ روضه رسول (ص) ملاقات می‌کند و از مصر، بعد از سفری هفده روزه، به شهر استانبول می‌رسد و در آنجا ابراهیم خاقان (متوفی ۱۶۲۲م)، از اجداد ابراهیم خان‌زاده را می‌بیند و او درباره شأن و شکوه شهر استانبول مطالبی به هنگ تواه می‌گوید. در این داستان، هنگ تواه از خضر پیامبر (ع) راهنمایی می‌گیرد.

در حکایت امیرحمزه از قهرمانان شاهنامه فردوسی، مثل کیقباد، جمشید، بهرام، اسکندر مقدونی، و همچنین شهرهای بغداد، مدینه، ملک مصر، بیزانس و مسائل تصوف یاد شده است. حکایت اسکندر، حکایت امیرحمزه، حکایت محمد حنیفه، و حکایت یوسف (قصه یوسف و زلیخا) در اواخر قرن پانزدهم میلادی از فارسی به زبان ملایو برگردانده شده بود.^۳ ادبیات کلاسیک ملایو (ادب جاوی) به صورت کتاب‌های داستانی (حکایت) و قصه‌های عامیانه موجود است. در زبان ملایو «ادب کتابی» به معنی کتاب‌های دینی، و «ادب حکایت» به معنی داستان و قصه، و «ادب تاریخی» به معنی کتاب‌های درباره سلسله‌های پادشاهان ملایو است. کتاب‌های راهنمایی و نصیحت پادشاهان ملایو را «ادبیات آستانه» یعنی ادب درباری، می‌دانند؛ مثل تاج السلاطین، بستان السلاطین، و غیره.

همان‌طور که گفته شد، بیشتر کتاب‌های اسلامی ملایو از زبان‌های فارسی و عربی ترجمه شده‌اند؛ مثلاً کتاب هزار مسائل^۴ از فارسی به زبان ملایو ترجمه شده بود.^۵ در آثار حمزه

1. Kelantan

2. Hikayat Nakhoda Muda

3. Sir Richard Winstedt, *A History of Classical Malay Literature*, Oxford University Press, Kuala Lumpur, 1977, pp. 31, 34, 70, 75, 87.

4. *Kitab Seribu Masa'il*

5. Engku Ibrahim Ismail, *Pengaruh Syi'ah Parsi dalam Sastra Melayu Islam di Nusantara, Aceh*, 1988, pp. 14, 24.

فلسوفی، از قرن شانزدهم میلادی، مثل شراب العاشقین، اسرار العارفين و المنتهی تأثیر زیادی از تفکر صوفیان ایرانی موجود است.

تعداد زیادی داستان‌های فارسی به زبان ملایو ترجمه شده بود و بیشتر این داستان‌ها در دنیای ملایو تأثیر دینی داشته‌اند، مثل داستان شهادت امام حسین (ع).^۱ در گذشته مردم ملایو بیشتر حکایت‌های ترجمه شده از فارسی را شب‌ها در خانه‌های خود و برای تفریح و تعلیم و تربیت می‌خواندند یا به صورت نمایش اجرا می‌کردند. شاهان ملایو خود را از اولاد اسکندر ذوالقرنین می‌دانستند و گمان می‌کردند که او از کشور متمدن ایران، مشتمل بر خراسان، فارس، سمرقند و بخارا است و این‌که در ایران هزاران ادیب، عالم دینی و صوفی زندگی می‌کنند و این کشور مرکز علم و ادب جهان است و این موضوع برای شاهان ملایو باعث افتخاری عظیم بود.

در حکایت برما شهدان^۲ شخصی به نام شاه‌پری کوه قاف را نشان می‌دهد. در حکایت هزار شب و یک‌شب، به زبان ملایو، داستان «بیان بودیمان» که از طوطی‌نامه فارسی ترجمه شده، موجود است. مأخذ اصلی طوطی‌نامه کتاب سنسکریت سوکه‌سپتی است، ولی در زبان ملایو این قصه از طوطی‌نامه فارسی نوشته قاضی حسین واعظ کاشفی، از سال ۱۳۷۱ م، است.

ایران مرکز مذهب شیعه است و این مذهب در هند، خصوصاً در جنوب هند، در دوره سلطنت بهمنی به طور مذهب رسمی سلطنت شناخته شده بود و تأثیر این مذهب بر افکار روحانیان ملایو در ابعاد مختلف همیشه وجود داشته است، گرچه آنها در تاریخ طرفدار مذهب سنی شافعی بوده‌اند. این امر خیلی جالب است. سؤال این است چرا مردم ملایو در افکار دینی خود به شدت تحت تأثیر ایرانیان بودند؟ جواب مشکل نیست: از سال ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ م، بیشتر حکمرانان ایران، مثل ترکان و مغولان، بیگانه بودند که اکثراً بر مذهب سنی شافعی بودند، و روحانیان این مذهب، با پشتیبانی حکمرانان، از مکاتب مختلف استفاده کردند، و تأثیر آن بیرون از مرز ایران، در مناطق وسیعی از جهان رسیده بود. بعد از بیداری ملی‌گرایی ایرانیان در اوایل قرن شانزدهم میلادی، در زمان سلطنت صفویان، مذهب شیعه به طور مذهب رسمی ایران شناخته شد و تأثیر ایران در زمینه مذهب، در کشورهای اهل

1. L. F. Brakel, "Persian Influence on Malay Literatur", *Abr Nahrain*, Leiden, vol. 9, 1969, p. 1.

2. *Berna Shaidan*

تسنن کاهش یافت. به همین علت بود که در قرن شانزدهم میلادی، در ملاکا روحانیان یمنی از حضرموت، جای روحانیان ایرانی را گرفتند، ولی در حکایت راجا راجا پاسه، تاریخ شاهان سلطنت اسلامی، تأثیر قوی فرهنگ ایرانی در جنوب هند دیده می‌شود.

ابن بطوطه، سلطنت اسلامی پاسه را در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶م، دیده بود. او بیان می‌کند که در دربار سلطان پاسه، ملک الظاهر، امیر دوله شاه از دهلی هند، و قاضی سیدامیر شریف شیرازی، و تاج‌الدین اصفهانی، استاد حقوق اسلامی، را آنجا دیده بود و این علما پیروان مکتب شافعی بودند. در پاسه مقبره حسام‌الدین نایینی موجود است که بر لوح مزار او غزل شیخ سعدی دیده می‌شود. همین طور مانی پورندان، که در نیمه اول قرن پانزدهم میلادی از پاسه به ملاکا آمده بود، خود را ایرانی می‌دانست.^۱

حکایت راجا راجا پاسه قدیم‌ترین کتاب تاریخ دنیای ملایو از زمان اسلام، داستانی مشتمل بر سی هزار واژه درباره اسلام آوردن نخستین سلطان ملایو، ملک الصالح، است.^۲ این کتاب در نیمه آخر قرن چهاردهم میلادی نوشته شده و برای کتاب‌های بعدی، خصوصاً سجارا ملایو، مرجع عمده‌ای بوده است. کتاب مشتمل بر ادب تاریخی و اسطوره‌ای، به روش کتاب‌های عربی و فارسی، است^۳ و تاریخ دنیای ملایو را بین سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰م، یعنی از زمان ملک الصالح تا سرنگون شدن سلطنت اسلامی پاسه به دست سلطنت هندی ماجاپاهت جاوه در سال ۱۳۵۰م، بیان می‌نماید.^۴

کتاب به زبان ملایوی کلاسیک یعنی به خط جاوی (عربی-فارسی) نوشته شده و تمدن و فرهنگ ملایوی آن زمان را که در پاسه رایج بود، به طور خاص بیان می‌کند. این کتاب چند نسخه خطی دارد و به زبان انگلیسی و فرانسوی و غیره ترجمه شده است.^۵ نسخه خط لاتینی آن مشتمل بر ۶۲ صفحه و نسخه خطی آن ۱۴۳ صفحه است.

نکته مهم درباره زبان کتاب، این است که منطقه پاسه در استان آچه قرار دارد و زبان

1. G. E. Marrison, "Persian Influence in Malay Life", *Journal of the Malayai Branch of the Royal Asiatic Society (JMBRAS)*, vol. 28, part. 1, No. 169, Singapore, 1955, pp. 53-54, 63.
2. Ali Ahmad, *Karya-Karya Satsera Bercorak Sejarah, Dewan Bahasa dan Pustaka*, Kuala Lumpur, 1987, pp. 33, 39.
3. V. I. Braginsky, *Yang Indah, Berfaedah dan Kemal*, p. 136.
4. Liaw Yock Fang, *Sejarah Kesusastraan Melayu Klasik*, (2 Jilid), Jilid 2: Penerbit Erlangga, Jakarta, Edisi Pertama, 1993, p. 89.
5. A. H. Hill, *Hikayat Raja-Raja Pasai*, A revised romanised version of Raffles MS 67, together with an English translation, *JMBRAS*, No. 33, pt. 2. No. 190. Malaya Publishing House, Limited, Singapore, 1959, p. 27.

رسمی استان، زبان آچه است؛ پس چرا این کتاب مهم به زبان ملایو نوشته شد. در حقیقت منطقه پاسه از پایتخت استان آچه، دارالسلام بندا آچه، در فاصله بیش از دویست کیلومتری جنوب شرقی، و روبه روی شهر ملاکا و دنیای ملایو قرار دارد که آنجا صرفاً زبان ملایو به کار می رود. در زمان سلطنت اسلامی پاسه زبان ملایو در تمام دنیای ملایو پیشرفت کرده و برای علم و ادب خیلی مناسب بود؛ به همین علت روحانیان و ادیبان پاسه زبان ملایو را به جای زبان آچه به کار بردند.

این کتاب که زبان ملایوی به کار رفته در آن بسیار عالمانه و شسته رفته است، به احتمال قوی بعد از سال ۱۳۵۰م نوشته شده است. تأثیر هند در این کتاب عیان است. مثلاً یکی از وزیران ملک الصالح، غیاث الدین، و دیگری سید سمیع الدین نام دارد که این نوع اسم ها در دنیای ملایو دیده نمی شود، ولی در هند به وفور موجود است.

این بطوطه از دربار کروموندل اطلاع می دهد که پادشاه این دیار در حالت فقر برای دعوت دین اسلام به پاسه رفته بود. تاریخ هند هم نشان می دهد که حکمران آنجا راجا پرمل تخت حکومت کرانگانگور را پشت سر گذاشته، مبلغ اسلام شده بود.^۱ پاسه، در قرن چهاردهم میلادی مرکز بزرگ و مهمی برای علم و ادب اسلامی در دنیای ملایو شناخته می شد.^۲

حکایت راجا راجا پاسه از داستان های اسلامی آن زمان تأثیر عمده ای گرفته است و نویسنده برای تزیین کتاب، از شعر محلی پنتن^۳ استفاده کرده است،^۴ یعنی بیت بازی که مشتمل است بر دو بیت به صورت سؤال و جواب. مثلاً در این حکایت، وقتی سلطان احمد دو پسر خود را به قتل می رساند، از لشکر جاوه شکست می خورد و با افسوس می گوید که اگر پسرانش، خصوصاً بیرام باپا، زنده بود، «چه جاوه، تمام چین، یا تمام کشور کلنگ (هند جنوبی) با هم نمی توانستند او را شکست بدهند». سپهد لشکر سلطان، پس از شنیدن این سخنان به او می گوید:

Lada siapa di-bangsalkan

Sa-lama lada sa-kerati?

1. Sir Richard Winstedt, *A History of Classical Malay Literature*, pp. 156-157.

2. Teuku Ibrahim Alfian, *Kronika Pasai*, Sebuah Tinjauan Sejarah, Gajah Mada University Press, Yogyakarta, 1973, p. 24.

3. Pantun

4. Teuku Iskandar, *Kesusasteraan Klasik Melayu*, p. 163.

Pada siapa di-sesalkan?

Tuan juga empunya pekerti.¹

ترجمه:

محصول فلفل چه را کسی در انبار بداریم
گل‌های ذرت را در اوج بهار شکستند
پیش چه کسی و کجا ماتم رفتگان کنیم
بر سر خودت جرم داری، همه از جهان رفتند.

در حکایت راجا راجا پاسبه تعداد زیادی واژه عربی و فارسی دیده می‌شود که فهرستی از آنها در اینجا می‌آید: لشکر، آستانه، پارسی (پرسی)، بابا، ناخدا، شاه عالم، نوبت، دولت (عربی: دوله) پهلوان، مات (موت، شکست)، تخت، دل، شهر نوی (در تایلند)، دلخنا (دالان خانه)، لمپ، ریال (پول)، قسطوری (خوشبو)، فرمان، اسب پارسی، حیران، دوات سکوچی (جای جوهر، کوزه جوهر)، سمبرانی (برای اسب بالدار، براق)، سمرقندی (از سمرقند)، خنجر، و غیره.²

در حقیقت نویسنده حکایت کوشش نموده است که کتاب را به روش شاهنامه فردوسی یک شاهکار عظیم ادب ملایو بسازد؛ مثلاً در این کتاب پادشاه پاسبه دختری قشنگ را در انبوه درختان پیدا می‌کند، مانند زال در شاهنامه فردوسی که سیمرخ او را در کوه پیدا کرده بود. اسب بالدار یا اسب سمبرانی مثل رخش رستم، و ناله و شیون سلطان احمد بعد از کشتن دو پسر خود، مثل ناله و شیون رستم بعد از کشتن سهراب است، ولی نویسنده در بیان به هیچ وجه به اوج کار فردوسی نمی‌رسد.

پرتال جامع علوم انسانی

1. A. H. Hill, *Hikayat Raja-Raja Pasai*, pp. 99, 158.

2. Russell Jones, ed., *Hikayat Raja Pasai*, Malaysia, 1987, pp. 1-70; A. H. Hill, *Hikayat Raja-Raja Pasai*, pp. 20-73.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی